



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۳۰ | شماره ۵ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ نقوش متنوع بر کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی
- ◆ منصب امیری پیش از آل بویه: دو دیدگاه نسبت به گذشته
- ◆ سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین: در وضعیت پریش
- ◆ استودان قلعه گرگی، نویافته‌ای از تدفین دوره ساسانی در شهرستان اقلید
- ◆ بازبینی و نقد کتاب گل‌نشته‌های آغاز ایلامی موزه لوور اثر یاکوب ال. دال
- ◆ بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



دوفصلنامه ایران شناسی

سال ۳ | شماره ۵ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹ | ۱۱۲ صفحه |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تصویر جلد: قطعه آجری از تزئینات دیوارهای کاخ شوش، هخامنشی موزه متروپولیتن نیویورک

تهران، صندوق پستی: ۱۴۵۱۵-۵۶۹

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

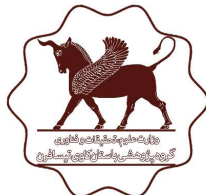
۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶

چاپخانه: ایران کهن



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- ۴ نقوش متنوع بر کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی | مریم دارا
- ۲۵ استودان قلعه گرگی، نویافته‌ای از تدفین دوره ساسانی در شهرستان اقلید | حامد مولایی کردشولی
- ۳۶ منصب امیری پیش از آل بویه: دو دیدگاه نسبت به گذشته | دیوید وین، ترجمه حسین صبری
- ۴۷ بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه | علی نوراللهی
- ۷۴ سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین: در وضعیت پرشش | پیر دومیروشیچی، ترجمه سحر بختیاری، حسین نصری صومعه

پیشخوان

- ۹۹ بازبینی و نقد کتاب گل‌نبشته‌های آغازیلامی موزه لوور اثر یاکوب ال. دال | حسن افشاری و سعید باقی‌زاده

درگذشتگان

- ۱۰۹ درگذشتگان ایران‌شناسی | آرشاک ایروانیان



بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه

علی نوراللهی
دکتری باستان‌شناسی

اگر ممالک روی زمین به دست آری بهای مهلت یک روزه زندگانی نیست
دل ای رفیق در این کاروانسرای میند که خانه ساختن آیین کاروانی نیست
(مصلح‌الدین سعدی، ۱۳۸۵: ۹۴۸)

چکیده

کاروانسرا یا بناهای بین راهی در ایران تاریخی طولانی دارند که حداقل به دوره هخامنشیان می‌رسد. این بناها کارکردهای مختلفی داشته‌اند که معمولاً با آن نام شناخته می‌شدند در کنار کارکرد اصلی نقش‌های دیگری چون حفاظت و اطراق مسافران و کاروان‌ها را نیز انجام می‌دادند. در ایران تا پیش از صفویه دو نوع نقشه در ساخت کاروانسراها استفاده می‌شد که این نوع کاروانسراها در سراسر خاورمیانه مورد تقلید و اقتباس قرار گرفتند. در قرن پنجم و ششم این دو نقشه با هم تلفیق شدند و در دوره صفویه این شیوه به اوج خود رسید. کاروانسرای خانک (که در واقع یک خان بوده و نام روستا نیز از این واژه گرفته شده است) ادامه نقشه کاروانسراهای قرون اولیه بعد از ساسانی و ادامه کاروانسراسازی ساسانی بوده و المان‌هایی کاروانسراهای دوره صفوی در اینجا تقریباً دیده نمی‌شود. گویی در این کاروانسرا اسکان مسافران زیاد مورد توجه نبوده است. پلان این کاروانسرا عبارت است از دو حجره در دو طرف ورودی اصلی و حیاط مرکزی که در دو طرف آن دو اصطبل دراز برای نگهداری چارپایان و مواشی ایجاد شده که هر کدام از این اصطبل‌ها دارای دو درب ورودی در محل تقاطع اضلاع داخلی حیاط است و فاقد هرگونه روزنه و پنجره‌ای هستند. در ساخت آنها از لاشه‌سنگ‌های نامنظم و ملات گچ نیمکوب استفاده شده و در مجموع از نظر طراحی و شیوه ساخت، ساده و ابتدایی است. مکان‌یابی و ساخت این بنا به درستی انجام گرفته زیرا نواحی کوهستانی خرازان از گذشته از نظر دامپروری و محصولات باغی یکی از مناطق غنی منطقه بوده، بخش از نیازهای بازارهای اطراف چون شهر تفرش، ساوه، آوه و قم را تأمین می‌کرده، همواره محل دادوستد این محصولات و انتقال آنها به این بازارها بوده و علاوه بر این مسافت راه دسترسی ساوه را به تفرش و سلطان‌آباد و شهرهای پیرامونی را به میزان زیادی کاهش می‌داده است.

واژه‌های کلیدی: تفرش، خرازان، کاروانسرای خانک

یکی عبارت بود از اصطبل یا دالان‌های عریضی برای چارپایان بود که بر اطراف یک حیاط شکل گرفته بودند. دیگری تالارهای مستطیلی شکلی بود که بر اطراف یک حیاط مرکزی قرار گرفته بودند، این ویژگی در کاروانسراهای ایرانی حفظ شده است (سیرو، ۱۳۴۹: ۱۷۷) و بنگرید به کاروانسرای دروازه گچ، کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۲۳۶). به‌طورکلی، تحول و گسترش کاروانسراهای ایران در ادوار مختلف بستگی به وضعیت اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و .. داشته و شکل‌یابی و توسعه آن با موارد یادشده در ارتباط بوده است. عملکردهای گوناگونی که در گذشته کاروانسرا بر عهده داشته، باعث گردیده، نام‌های متفاوتی برای این‌گونه بناها در فرهنگ لغات جای گیرد، از جمله کاربات، رباط، ساباط و خان^۱ (همان). هرچند کارکرد آنها تقریباً مشابه با کاروانسرا بوده ولی هرکدام دارای ویژگی خاص خود بوده‌اند. هرچند کاروانسرا و ساخت بناهای مشابه به آن با توجه به ویژگی‌های سرزمینی ایران که دروازه آسیا به شما می‌رفته است تاریخچه طولانی کهن دارد (کیانی و کلایس، ۱۳۶۲: ۵).

نیاز انسان به سرپناه و مأمن، نه تنها در حضر بلکه در سفر هم از روزگار باستان مورد توجه بوده است. در ایران‌زمین، از گذشته بسیار دور آثار و مظاهری از این گونه پناهگاه‌ها و استراحتگاه‌های بین راه دیده می‌شود که بسیاری از آنها را می‌توان از نظر شیوه ساختمانی از شاهکارهای معماری و هنری عصر خود به حساب آورد. دوران اسلامی ایجاد این‌گونه بناها را با ویژگی‌های گوناگون، در شهر و روستا، جاده‌های حاشیه کویر و معابر کوهستانی با نام‌های مختلف چون رباط و کاروانسرا رو به توسعه گسترش نهاد. احداث کاروانسراها در ایران سابقه‌ای بس قدیمی داشته و طبق منابع تاریخی، این کشور در احداث کاروانسراها و همچنین سیستم ارتباطی مبتکر و پیشقدم بوده است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۱).

چنانچه کاروانسراهای ایرانی تا سواحل دریا مدیترانه مورد تقلید قرار گرفتند و نقشه و شیوه ساخت آنها تأثیر عمیقی بر نقشه و کاروانسراها در زمان و دوره‌های بعد از خود برجای گذاشت. کاروانسراهای ساسانی^۱ دارای دو نقشه بودند

^۱ هرچند که سیرو کاروانسراهای ساسانی را به دو دسته تقسیم کرده اما هیلن براند معتقد است که شناخت دقیق معماری انواع کاروانسراهای این دوره واقعاً ناممکن است. زیرا تعدادی، همانند شکل خانه‌های نگهبانی هخامنشی و ساسانی به شکل بازگشت‌ناپذیری از دست رفته‌اند (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۰۰).

^۲ ریشه‌یابی واژگانی که برای توضیح این گونه ساختمان‌ها به کار رفته‌اند، همواره آموزنده است. این واژگان بر طیفی از عملکردها دلالت دارند و این مشخصه معماری اسلامی است که یک نوع ساختمان ساده چندین عملکرد دارد. از آنجاکه همین ساختمان‌ها گاهی با دو یا چندین واژه مشخص تعریف شده‌اند، نمی‌توان حدس زد که انتخاب واژه تشریحی همیشه اهمیت داشته است. کاروانسرا به معنای ساختمانی است برای کاروان و خود کاروان هم از کاربان به دست آمده که به معنی کسی است که از کسب‌وکار مواظبت می‌کند. با این حال تمامی این نوع ساختمان‌ها و عملکردها کاروانسرا نامیده نمی‌شوند. تا به امروز، بسیاری از آنها به عنوان رباط یا رباط تشریح شده‌اند. این لغت از ریشه عربی رَبط است که یکی از معانی آن افسارکردن اسب است. البته تصور توقفگاه کوتاهی که در وجود این لغت نهفته است، در خور کاروانسرای کاملی است، اما رباط معنی تخصصی تری دربر دارد. این واژه در اواخر قرن چهارم هجق بیانگر نوعی دژگونه است که به‌عنوان پایگاهی برای تداوم جهاد مورد استفاده قرار می‌گرفت. بنابراین استفاده از واژه‌های گوناگون، اشاره به تفاوت‌های است که در لغت و زبان‌های محلی ناشی می‌شود و نه همیشه به کارکرد و عملکردهای اختصاصی این بناها (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۹۷-۳۹۹).

کاروانسرا در سرتاسر خاورمیانه کارکردها و عملکردهای گوناگون داشته‌اند. اساساً چنین بناهای برای فراهم ساختن امنیت در کنار منزل مسافران و حیوانات ساخته شده‌اند. تعدادی نیز امور برید یا پیک را تأمین می‌کردند. این بنیاد قدیمی شرق نزدیک، که پیشینه آن، حداقل به دوران هخامنشیان می‌رسد (قرن چهارم تا ششم پ.م)^۱، در دوره ساسانی به بالندگی و رشد خود ادامه داد و اهمیت خود را تا دوران میانی اسلام حفظ کرد (هیلن‌براند، ۱۳۷۷: ۴۳۷).

با توجه به کاربرد و توسعه و گسترش کاروانسراها در ایران می‌توان علل پیدایش کاروانسراها را نیاز اساسی و حمایت از کاروانیان دانست، بنابراین بناهای مشابهی که با نام‌های مختلف احداث شده به احتمال زیاد به همین منظور و هدف بوده است (کیانی و کلایس، ۱۳۶۲: ۵).

در ایران به علل قرارگرفتن در شاهراه بازرگانی شرقی-غربی و نیز گستردگی خاک، از دیرباز به ایجاد راه‌های بازرگانی و نظامی و همچنین ساخت پل‌های متعدد و تأمین امنیت کاروان و کاروانیان اهتمام و توجه ویژه‌ای شده است. براساس شواهد مبتنی بر اسناد تاریخی، ایران در احداث جاده و کاروانسرا و ایجاد سیستم ارتباطات خبررسانی پیشقدم بوده است. به عقیده محققان ایجاد و توسعه کاروانسراهای ایران از مهم‌ترین دستاوردهای معماری ایرانی به‌ویژه در دوره اسلامی است که مطالعه و بررسی

ویژگی‌های گوناگون و متفاوت آن مؤید این نظریه است (کیانی و کلایس ۱۳۷۳: پیشگفتار). ایجاد جاده‌های بزرگ زمینی و دریایی به‌صورت کالا‌های تجارتهای ایران به کشورهای اروپایی در غرب، چین و هندوستان در شرق منجر شده و در مسیر جاده‌های زمینی کاروانسراهای زیادی ایجاد شده است. این جاده‌ها با سنگ مفروش و در بعضی نقاط همراه با پل‌های زیبا ساخته شده‌اند. آثار این جاده‌ها در نقاط شمالی کشور و راه‌های کویری هنوز به چشم می‌خورد (کیانی و کلایس، ۱۳۶۲: ۶).

در فاصله بین رفتن دودمان مغول و استقرار شاهزادگان صفوی جنگ و جدال‌ها و اختلافات موجب نقصان رفت‌وآمد بازرگانان در راه‌های کشور شد و به دنبال آن فعالیت ساختمانی در این راه‌ها نیز کاسته شد. با این حال نمی‌توان گفت که شاهان و شاهزادگان پرکار و فعالی مانند آل مظفر و پس از آنها تیموریان بکلی نسبت به ایجاد کاروانسراها و ایجاد راه‌های مناسب و تأمین امنیت آنها بی‌اعتنا بوده‌اند. ولی تأثیرات این جنگ و جدال‌ها در استفاده از مصالح مانند گل و خشت خام و نقشه کاروانسراها انعکاس یافته است و به همین سبب این بناها یا از میان رفته‌اند یا اگر اثری از آنها مانده قابل تشخیص نیستند (سیرو، ۱۹۴۹: ۱۱۱).

برعکس به محض استقرار سلسله صفوی بر تخت شاهی علاقه شدید پادشاهان این دودمان به آبادی کشور موجب قرارگیری تعمیر و

۱ نهاد تأمین جاده با ایستگاه‌های کمکی در مناطق خاص از مدت‌ها پیش در زمان کورش بزرگ هخامنشی راه افتاده بود و هرودت در این باره می‌نویسد: «یکی از اختراعات ایرانیان این بود در مقاطع مختلف جاده‌ها ایستگاه‌هایی با میهمانخانه‌های باشکوه برپا کرده بودند و جاده‌ها همواره ایمن بود چون همیشه در آنها تردد صورت می‌گرفت... تعداد ایستگاه‌ها یا پست‌خانه‌های جاده ساردیس به شوش ۱۱۱ دستگاه بود». اما درباره معماری این میهمانخانه‌ها اطلاعی در دست نیست و به احتمال با گل و خشت ساخته می‌شده‌اند و در طول زمان از بین رفته‌اند و از آنها جز تلی از خاک باقی نمانده است (سیمز، ۱۳۸۰: ۹۸).

ساخت کاروانسراها در صدر برنامه‌های عمرانی شد (سیرو، ۱۹۴۹: ۱۱۱). سلسله صفویان در سال ۹۰۷ هجری به‌وسیله شاه اسماعیل صفوی در تبریز تأسیس شد و بعد از او در سال ۹۳۰ هجری، شاه طهماسب به سلطنت رسید و به‌علل سیاسی پایتخت را از تبریز به قزوین منتقل کرد (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۰۳). در پرتو تمرکز سیاسی-مذهبی و امنیت و آرامشی که در دوره صفویه حاکم شد کشاورزی، تجارت و آبادانی در این منطقه رونق یافت. شاید بتوان گفت این دوره یکی از دوران مهم از نظر تجاری و اقتصادی در تاریخ ایران بوده است با توجه به علاقه شاهان صفوی به تجارت و رشد صنعت ابریشم و دیگر صنایع در این دوره خود شاهان صفوی که بخش عمده‌ای از این تجارت را در دست داشتند به‌صورت گسترده‌ای دست به ایجاد ساخت‌وساز و مرمت کاروانسراها و همچنین پل‌ها زدند. بنابراین عصر طلایی و شکوفایی احداث کاروانسراها از این دوره آغاز می‌شود. رونق تجارت داخلی و خارجی و اهمیت دادن به راه‌ها و شهرهای زیارتی باعث این شد که بنیاد کاروانسراها و معماری و تزیینات معماری تحولات و پیشرفت‌های تازه‌ای را آغاز کند.

حکمرانان صفوی در پایتخت و والیان در شهرستان‌ها کوشش فراوانی در ایجاد و احداث و توسعه این بنای عام‌المنفعه انجام دادند. ایجاد جاده‌های بزرگ زمینی و دریایی به‌صورت کالاهای تجارتی ایران به کشورهای اروپایی در غرب و چین و هندوستان در شرق منجر شد. در مسیر جاده زمینی کاروانسراهای زیادی احداث شد. این جاده با سنگ مفروش و در بعضی نقاط پل‌های زیبا ساخته شد. آثار این جاده‌ها در برخی از نقاط ایران هنوز پابرجا مانده‌اند.

به‌طورکلی انتساب ساخت ۹۹۹ کاروانسرا به شاه عباس خود بازگوکننده اهمیت کاروانسراها در این دوره است (کیانی و کلایس، ۱۳۶۲: ۶). از بررسی کاروانسراها چنین برمی‌آید که معماری کاروانسراهای ایران تابعی از سنت‌ها و سبک و شیوه‌های رایج محلی و همچنین سبک معماری زمان بوده‌اند. به‌طورکلی می‌توان گفت شیوه ساخت و مصالح و نقشه و پلان بناهای کاروانسرائی متأثر از محیط و پیرامون آنها بوده است. این شیوه‌ها با توجه به این عوامل در گذر زمان دگرگونی و تغییر چندانی نیافته است. به‌ویژه اگر در نظر بیاوریم که هدف از ایجاد این بناها استراحتگاهی بین راهی برای مسافران و کاروان‌های بوده که مال‌التجاره خود را برای بردن به نواحی مقصد حمل می‌کردند. بنابراین بسته به نوع عبارت بودند از یک سری اتاق‌ها و حجره‌ها و همچنین بارانداز و اصطبل که اطراف یک صحن و حیاط مرکزی احداث می‌شده است (کیانی و کلایس، ۱۳۶۲: ۸). بنابراین کاروانسراسازی در ایران بر پایه‌های درستی چون ثروت و ایمان (هیلن‌براند، ۱۳۷۷: ۴۰۶) و در کنار این دو، ریشه عمیق تاریخی شکل گرفته بودند. هرچند این پلان استاندارد بوده که در بیشتر کاروانسراها رعایت می‌شده است اما با توجه به نیازها و شرایط خاص هر محلی پلان و نقشه کاروانسرا دارای تفاوت‌هایی بوده است که نشان‌دهنده آگاهی و دانش طراحان و معماران از موارد استفاده از این بناها در آن محل‌ها و مسیرها بوده است. در این مقاله که حاصل بررسی‌ام از این کاروانسرا در سال ۱۳۸۶ است (نوراللهی، ۱۳۸۶)، نخست به سیر شکل‌گیری تاریخی و تاریخچه کاروانسراها در ایران (با نگاهی به نقشه و پلان این بنا) و سپس

به جغرافیای تاریخی تفرش و دهستان خرازان پرداخته‌ام و در ادامه به موقعیت روستای خانک و توصیف و شرح این بنای ناشناخته^۱ پرداخته‌ام - زیرا این کاروانسرا در دو کتاب گرانسنگ استاد فقید دکتر یوسف کیانی که به حق وی را می‌توان از بزرگ‌ترین پژوهشگران کاروانسراهای ایران‌زمین چه در زمان خود و در دوران بعد دانست - نیامده است. در پایان نیز جمع‌بندی از مطالب ارائه داده‌ام.

تفرش در متون تاریخی

تفرش در دوره ساسانی جزو خوره قباد و در اواخر ساسانی جزو اصفهان و در قرون اولیه اسلامی از طسوج‌های قم بوده و پس از آن جزو ولایت عراق (بنگرید به مارکوارت، ۱۳۷۳: ۶۵ و صفحه بعد) و در حال حاضر از شهرستان‌های استان مرکزی است. تفرش در دوره‌های تاریخی جزوی از ولایت قم از ولایات جبال بوده و ارتباطات گسترده‌ای با این ناحیه در کنار شهرهای تاریخی آوه و ساوه داشته است، این ارتباطات در متون تاریخی باقی مانده منعکس شده است. کهنترین کتابی که در آن از تفرش نام برده است تاریخ قم است (۳۷۸ هـ) که در صفحه ۵۶ نوشته شده: «... دیگر رستاق^۲ طبرش است سی و دو دیه از آنجمله طرخوران، فیم [قم امروزی]، جاویده که مندرس گشته و ناپدید شده است...» و در صفحه ۷۸-۷۹ همان مأخذ آمده است که: «... رستاق طبرش، روایت است از ابن مقفع که ضیعت‌های آن را طبرش بن همدان بنا کرده است و بعمارت آن

فرموده...» و در همان کتاب آمده که طسوج طبرش عبارت‌اند از «... همروده، رجاب، رستاق انار، شیدازیند، خانجرد، هنبرد، فروس، سلکان، کارجه، اندریقان، سهرانرود، طرزه، جرجبشت، مهر جشنسف‌آباد، الررقاین، افشیدجرد، النحریوان، مردور، کهن‌دیر، وردهد من نسخه عتیقه، فونج منها، الرّین، آبادمنها، خاخواه منها، ولیکان و مزرعتها منها، میقان منها، سندکان منها، ور منها، اسحاق‌آباد منها، عمران‌آباد منها، محمدآباد منها، کباروآباد منها، علی‌آباد، فونج منها، صلح‌آباد منها، مزرعه ابی القاسم منها، مبارک‌آباد منها، ارض بین کارجه و صلح‌آباد و مزرعه ابی القاسم...» (قمی، ج ۱، ۱۳۶۱: ۱۱۷). تعدادی از این روستاها امروز شناخته شده نیستند.

حمدالله مستوفی درباره تفرش نوشته: «... تفرش ولایت است که از هر طرف که بدوروند، بگریوه (کوه) فرو باید رفت سیزده باره دیه است فم و طرخوران از معظمت اوست، هوائش معتدل است و آبش از چشمه‌ها و کاریزهاست که از آن کوه‌ها برمیخیزد و ارتفاعاتش پنبه و غله و میوه و اکثر اوقات آنجا ارزانی بود و مردم آنجا شیعی اثنیعشریاند حقوق دیوانیش، شش هزار دینار است...» (مستوفی، ج ۱، ۱۳۶۲: ۱۲۹). حاج سیاح محلاتی در خاطراتش درباره تفرش نوشته: «... تفرش به دو محله منقسم است، فم و طرخوران، در طرخوران به حسینیه‌ای که مخصوصاً منزل برای غرباء در آنجا ساخته‌اند، ایوان و حجراتی در تکیه بود، در یک حجره منزل کردم، بگردش و سیاحت محله

۱ این بنا را در آذر سال ۱۳۸۶ طی بررسی باستان‌شناسی شهرستان تفرش بررسی کردم و بعد از پایان بررسی پیشنهاد ثبت آن در فهرست آثار ملی کشور دادم که در ۱۳۸۷ به جرگه آثار ثبتی کشور با شماره ۲۳۰۰۳ افزوده شد. این اثر در تملک اداره اوقاف شهرستان تفرش است.

۲ معرب واژه روستاگ در پارسی میانه است. روستاگ در تقسیمات کشوری زمان ساسانیان به معنای دهستان بود.

دیگر تفرش - فم - هم رفتن بعضی عمارت‌های عالی داشت، که مال اشخاص معروف بود، من جمله خانه میرزا اسدالله وزیر و پیشکار مالیه عراق بود، که فعلاً معزول و خانه‌نشین است. تفرش جای سنگلاخی است، اشجار را خوب تربیت میکنند، غله کم دارد، تمام اهل تفرش ذوقی بخواندن و مخصوصاً به نوشتن دارند، بطوریکه زارع و فلاح، هم مشغول مشق خط است...» (سیاح، ۱۳۴۶: ۱۹۴-۱۹۵).

در کتاب مرات البلدان درباره تفرش آمده است که: «... اراضی تفرش در غیر زمستان به سبزی و خرمی موصوف و کثرت اشجار و فواکه لطیفه و باغات متنوعه آن معروف است. جز انجیر و انار، گل و ریاحین و لاله و ضمیران بسیار دارد، آبش از چشمه‌ساراست و در فصل بهار تقریباً سه ماه آب برف از کوهستان جاری ورودی تشکیل میدهد که از میان فم و طرخوران می‌گذرد و فاصل میان این دو آبادی است. و مزارع زیاد هست که آبادی آنها به این دو قریه بزرگ میپیوندد و عمارات عالیه در این دو آبادی بنا کرده‌اند، املاک تفرش زیاد قیمتی و کم زراعت است...» (اعتماد السلطنه، ج ۱، ۱۳۶۷: ۷۵۵-۷۵۶).

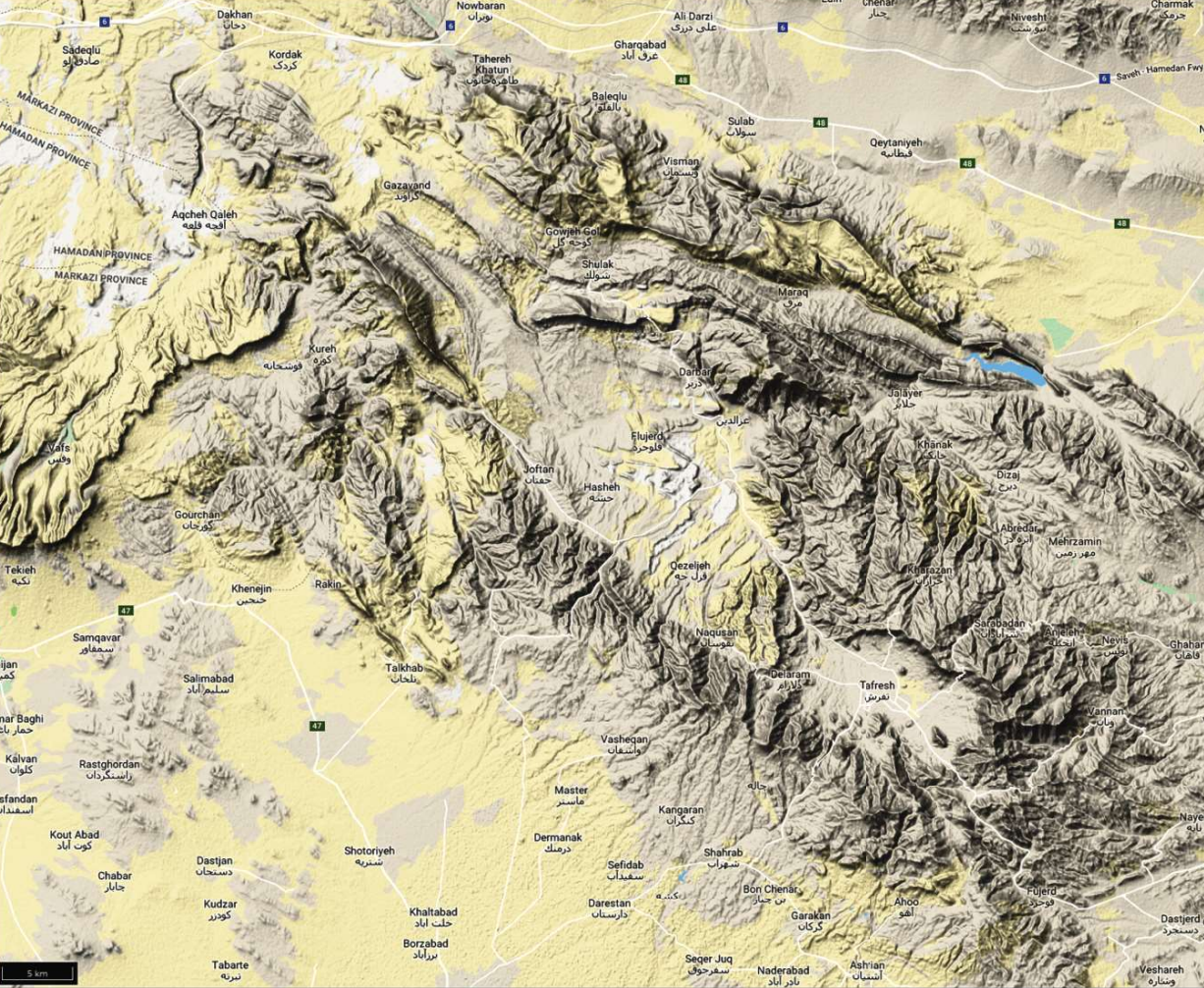
واژه تفرش در متون تاریخی به صورت مختلف آمده است مانند: تبرش، تبرش، طبرش، طبرس، تبرس. تفرش گاهی با رودبار و زمانی با آشتیان و گرکان تلفیق شده و یکی از بخش‌های اراک را تشکیل می‌داده است. این ناحیه از هر طرف به وسیله کوه‌های بلند محصور شده و هیچ راه دسترسی مستقیمی ندارد. بنابر این در طی دوران پراشوب قرون اولیه هجری و بعد کمتر دستخوش حوادث شده است (بنگرید به دهگان، ج ۱، بی‌تا: ۱۴۵).

تفرش در بسیاری از زمان‌ها جزوی از ناحیه و ولایت قم به‌شمار می‌رفته، در کتاب تاریخ قم که در قرن چهارم نوشته شده در آن زمان به این موضوع اشاره کرده و اطلاعات جامعی در مورد روستاها و وضعیت آن ارائه داده است (حسن قمی، ۱۳۶۱).

درباره وجه تسمیه تفرش اهالی معتقدند در اصل گیرش (Gabresh) بوده و این عقیده از این موضوع نشأت می‌گیرد که تا سده پیش زرتشتیان در این منطقه سکونت داشته‌اند و همچنین براساس آثار و قلعه‌ها و محل‌های سکونت و محل دفن مردگان آنها در این منطقه است (بنگرید به سیفی قمی تفرشی، ۱۳۶۱: ۸۳).

به‌هرروی تبرس - تبرش - تبرش، همه از ماده واحد روی ریشه تپور و با تبرک و تبرستان خویشاوندی دارد تفرش ولایتی است از نواحی اراک که در بدو امر یعنی زمان پارس‌ها جزو اصفهان و بعداً ضمیمه قم و در حین بنای اراک جزو این شهرستان و در دو سه سال قبل، خود مرکز شهرستانی شد.

حرف اول را گاهی با طاء مولف و زمانی با تاء منقوط می‌نویسند، و در صورت دوم نیز اختلاف است با پاء پارسی و باء موحد عربی و فاء منقوط دیده می‌شود، در حرف چهارم نیز اختلاف نظر در مکتوبات قدما دیده شده است، با سین مهمله می‌نویسند و با شین معجمه هم تلفظ می‌کنند، فعلاً با تاء منقوط و در آخر شین معجمه معروف است و در زمان قدما اکثراً به صورت سین مهمله وارد شده است. در تاریخ قم در آنجا که اسم طبرس آمده است، به صورت طاء مولف و باء موحد و در آخر سین مهمله ضبط گردیده است. در تاریخ بیهقی نیز، بهمین



شکل ۱. نقشه شهرستان تفرش و موقعیت روستای خانک دهستان خرازان (تظیم ع. نوراللهی).

صورت (با طاء مولف) آمده است. اهل لغت روی ریشه، تاپور یا تپور یعنی ساکنین قدیمی نواحی شمالی قرار گرفته که با علامت «ستان» به معنای جایگاه ترکیب شده و جمعاً سرزمین تپورها می‌باشد...».

دهگان در پایان چنین ادامه داده است. هرچه هست تفرش از ماده تپور^۱ نژاداً با شمالیها وابسته و از جهت مذهب، از قرون اولیه، شیعی مذهب بوده و بطور یقین عده از بزرگان عالم تشیع همچون ابوالحسن صاحب

تفسیر و صاحب احتجاج هم منتسب باین شارستان بودهاند (دهگان بی تا، ج ۲، به نقل از حسنی، ۱۳۸۲: ۴۸). در تاریخ قم نیز بارها از دست اندازی و یورش دیلمیان به این منطقه سخن میان آورده است (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۳۳-۳۴).

خرازان

خرازان دهی است جزء دهستان تفرش بخش طرخوران شهرستان اراک. واقع در ۹ هزار گزی

تپورها از اقوام باستانی بودند که در کناره جنوبی دریای خزر زندگی می‌کردند. پژوهشگرانی چون ماکورات و بارتولد تپوران را مانند آماردها از مردمان بومی مازندران پیش از آمدن آریایی‌ها می‌دانند که در برابر مهاجران به کوهستان‌های بلند این سرزمین پناه بردند و رفته‌رفته تمدن و فرهنگ آریایی و سپس دین مزدیسنی را پذیرفتند (بنگرید به اسماعیل مهجوری، تاریخ مازندران، تهران: توس، ۱۳۸۱: ۳۴).

شمال خاوری طرخوران و راه مالرو عمومی. این ناحیه کوهستانی و سردسیر و دارای ۳۷۵ تن سکنه فارسی زبان است. آب آن از قنات و محصولاتش: غلات، گردو، بادام و بنشن است. اهالی به کشاورزی و گله‌داری گذران می‌کنند و راه آن مالرو است. عده‌ای از آنجا جهت تأمین معاش برای کارگری بطهران می‌روند. مزارع مکان و روازک جزء این ده منظور شده است (دهخدا، ج ۷، ۱۳۷۷: ۹۶۴۳؛ رزم‌آرا، ج ۲، ۱۳۲۸: ۹۹).

نام دیهی در دهستان خرازان از بخش مرکزی شهرستان مرکزی شهرستان تفرش، که نام دهستان را نیز شامل می‌شود. در تاریخ قم ص ۱۳۹ جزو رستاق وزواه روستای خرازان ضبط شده است که با گمان قوی همین خرازان امروزی باشد. زیرا در همان صفحه اسامی روستاها و مزارع رستاق طبرش آمده است (۱) واژه خرازان در فرهنگ‌ها نیامده است. در لغتنامه دهخدا به نقل از فرهنگ جغرافیایی ایران فقط به ذکر مشخصات جغرافیایی آن پرداخته است شکل کلمه نشان می‌دهد که از خراز + ان مرکب است. در این صورت واژه عربی است و باید حرف «ر» مشدد باشد.

خراز. در لغتنامه دهخدا ذیل این واژه آمده است که: خراز (خ ر ا ز) دوزنده در روز موزه و جز آن (از منتهی الادب) (از ناظم الطباء).

ای خردمند نارسیده بدان
گرگ درنده کی بود خراز (سنایی)
برای آنکه خرازان گه خرز
کنند از سبلیت رویاه درزن (خاقانی)

همچنین خراز: به معنی مشک دوز آمده است و در تداول فارسی، فروشنده مقراض و قلمتراش و

شانه و نوار و عطر و غازه و سپیده و اسباب بزک زنانه را گویند (خرازی فروشی).

بخش دوم نام که «ان» باشد هم می‌تواند علامت جمع باشد و هم پسوند مکان، گزارش دیگر آنکه ممکن است در ابتدا - خرازان بوده و در مرور زمان خرازان شده باشد. در آن صورت از جهت معنی مانند خراسان است یعنی در مشرق یا جای سرزدن یا خورشید در این حالت واژه ترکیب یافته است از خر = خورشید + زان که پسوند مکان است (نام‌نامه استان مرکزی ۱۳۷۴).

روستای خانک

روستای خانک در حدود ۱۸/۵ کیلومتری شمال شهر تفرش و ۶ کیلومتری جنوب بند ساوه در دهستان خرازان واقع است (بنگرید به رزم‌آرا، ج ۲، ۱۳۲۸: ۹۸). راه دسترسی به این روستا از مسیر تفرش به خرازان است که در ادامه آن به روستای خانک و از آنجا به کندج و جلایر و روستاهای حسن‌آباد و ساوه متصل می‌شود. این روستا از طریق راهی مالرو از میان دره‌ای که روستای دیزج در آن واقع است به روستا مهرزمین و از آنجا به قاهان و شهر باستانی آوه منتهی می‌شود. این روستا در محل تلاقی راه‌های قرار گرفته که روستاهای ابره در، دیزج، خرازان و کندج که در یک نقطه به راه اصلی کوهستانی تفرش به ساوه متصل می‌شوند. در واقع علت ساخت و وجود کاروانسرا در این نقطه نیز ارتباط زیادی با این موضوع دارد. نکته قابل توجه در نام این روستا نهفته است که از نام این بنا (خان+ک) گرفته شده است. این بنا یک خان بوده که در واقع معنی اصلی این واژه از در زبان عربی و فارسی و حتی زبان‌های دیگر ایرانی، خانه است. بنابراین ویژگی‌های



شکل ۲. موقعیت کاروانسرای خانک (تنظیم ع. نوراللهی).

ریشه این واژه را می‌توان دست‌کم در برخی از ساختمان‌های اولیه جست‌وجو کرد که به خانه‌ای برای رفع نیاز مسافران شباهت داشتند. همچنین در دنیای عرب واژه خان بیشتر برای مهمانخانه‌های کوچک که در محل زندگی یا نزدیک آن بوده، به‌کار می‌رفته است. این خان‌ها امکانات مختلفی را در اختیاران مسافران قرار می‌دادند (بنگرید به هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۹۸).

چنانچه در مورد این بنا نیز صادق است. مسافران علاوه بر اطراق در این بنا می‌توانستند از آسیاب و قنات‌ها و غیره که در روستا و خانه‌های اطراف وجود داشت برای رفع حوائجشان بهره ببرند (شکل ۲-۳).

توصیف کاروانسرا

34°51'16.49"N, 50°۲۲'۶۹.۳"E

موقعیت جغرافیایی:

کاروانسرای خانک در میدان اصلی روستای

الف: دروازه و ورودی اصلی این بنا در وسط ضلع شرقی بنا قرار دارد و به شرق و روبه آفتاب باز می‌شود و خلاف وزش بادهای سرد زمستانی این منطقه که از شمال به جنوب می‌وزد ایجاد شده است. این دروازه دارای حدود ۳/۵ متر عرض و ارتفاع ۴ متر است، که با یک دیواره تیغه‌ای از دو طرف کوچک‌تر شده و در میانه آن ورودی با قوس ضربی ایجاد شده و یک در چوبی سنگین از الوار از آن محافظت می‌کند و در دو طرف این ورودی دو نشیمن‌گاه به ابعاد ۴۰ در ۴۰ سانتی‌متر برای استراحت ساخته شده که از سطح زمین ۶۰ سانتی‌متر بلندتر است. برای ایجاد قوس ضربی ابتدا از



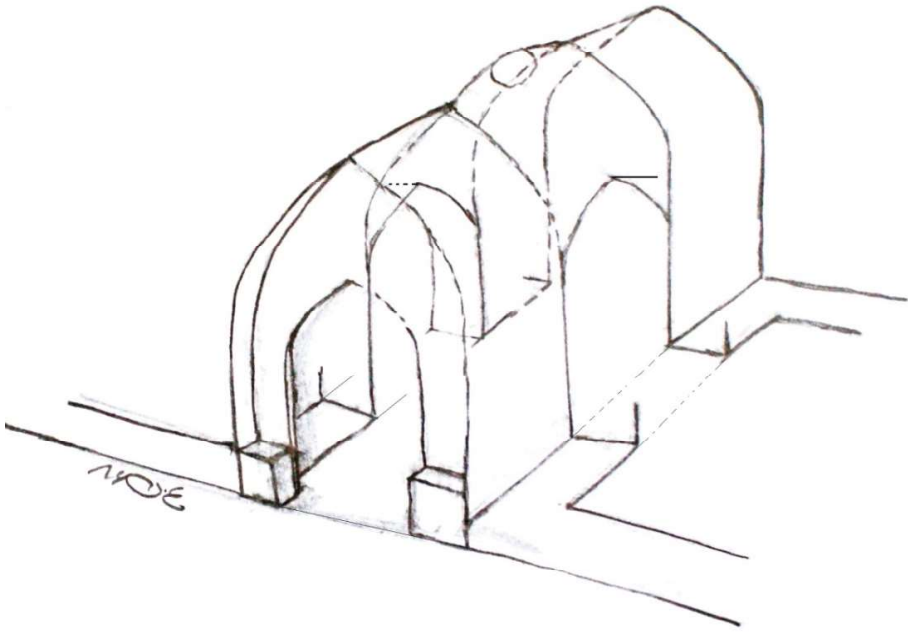
شکل ۳. نمای کلی کاروانسرای خانک از کنار برج حیدرقلی بیگ

آن ایجاد شده است. ورود به این حجره‌ها فقط از طریق این هشتی امکان‌پذیر است که دارای عرض $1/5$ متر و ارتفاع $1/7$ تا 2 متر است و پوشش این درها به صورت قوس ضربی است از آنجاکه جز در ورودی اصلی کاروانسرا آثار قاب در و در چوبی در این درها مشاهده نشد و این درها متعلق به دوره قاجاریه‌اند به احتمال در اصل برای پوشش در این حجره‌ها از پرده‌های ضخیم استفاده شده است. این حجره دارای ابعاد $5 \times 5/5$ متر است که دارای پوشش کجاوه‌ای ساده است و در ضلع جنوبی و انتهایی این حجره در دیواره لاشه سنگی یک بنخاری با عمق $35-40$ سانتی‌متر و عرض 50 سانتی‌متر و ارتفاع 60 سانتی‌متر که کف آن حدود 50

قالب‌های چوبی استفاده کرده‌اند و سپس از سنگ‌های تراشیده شده برای رسیدن به شکل قوس ضربی استفاده شده که امروزه آثار قالب چوبی آن مشاهده می‌شود. همچنین بر بالای در ورودی آثار خالی مستطیلی شکلی دیده می‌شود که به احتمال مربوط به کتیبه ساخت و نام سازنده و بانی این بنا بوده که از میان رفته است. فقط داغ آن بر پیشانی این بخش خودنمایی می‌کند. بعد از گذشتن از این در به هشتی این کاروانسرا منتهی می‌شود که پوشش آن به صورت طاق کجاوه‌ای کار شده است (شکل ۴، ۱۱ و ۱۹).

این در به یک هشتی به طول $6-5/5$ متر باز می‌شود که به صورت قرینه دو حجره در دو طرف

۱ بنا به گفته اهالی روستای خانک کتیبه سردر تا اوایل دهه ۶۰ خورشیدی در جای خود قرار داشته است، اما در حدود سال ۶۰ یا ۶۱ دو نفر با اظهار اینکه از طرف اداره میراث فرهنگی وقت هستند، اقدام به کندن و بردن این کتیبه کرده‌اند.



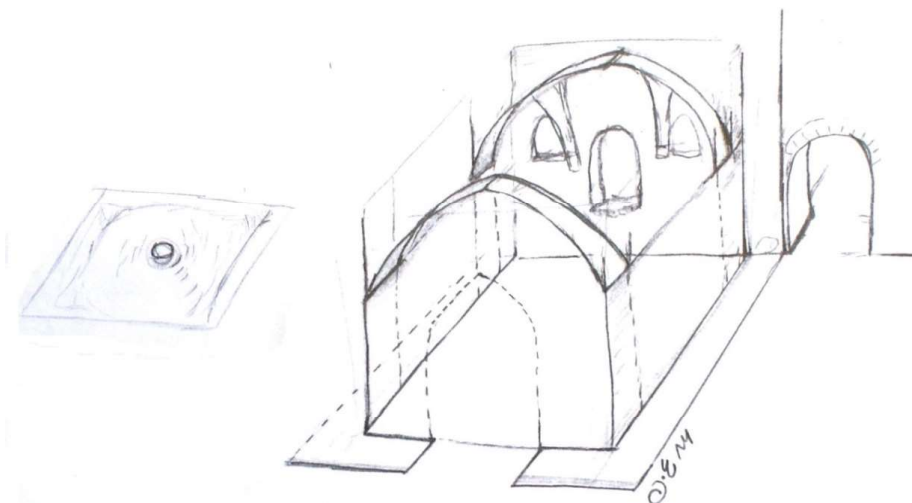
شکل ۴. ایزومتریک دالان هشتی و پوشش کجاوه‌ای آن

پوشش کجاوه‌ای ساده سقف ایجاد شده که قطر آن ۴۰ سانتی متر است. جز این دریچه‌ها، این حجره و حجره شمالی فاقد هر گونه پنجره‌ای رو به حیاط کاروانسراست. حجره شمالی قرینه و مشابه این حجره است (شکل ۵-۷).

بعد از هشتی، حیاط و صحن میانی کاروانسراست که حدود $۱۲/۵ \times ۱۲/۵$ متر است که در طرفین شمالی و جنوبی آن فضاهای سوله‌ای و اصطبل به صورت قرینه ایجاد شده که هر کدام دارای دو در ورودی کوتاه با قوس نیم‌دایره ای درست در گوشه‌ها و محل تلاقی دیوارهای شمالی با دیوارهای شرقی و غربی است. در دهه ۶۰ یک اتاق آجری در ضلع شرقی به عنوان محل توزیع سوخت (نفت) ایجاد شده بخشی از نمایی اصلی بنا را مخدوش کرده است (شکل ۳، ۸-۹).

سانتی متر از کف حجره بالاتر است ایجاد شده است، دو شمعدک کوچک از لاشه سنگ و گچ نیمکوب از دیواره انتهای این حجره درست در دو طرف بخاری به طاق تویزه پوشش حجره متصل می‌شود که در فواصل بین این شمعدک‌ها با دیواره‌های جانبی به صورت قرینه دو طاقچه کوچک در دو طرف بالای این بخاری ایجاد شده که دارای عمق کمی حدود ۳۰ سانتی متر هستند. به احتمال از این طاقچه‌ها برای گذاشتن وسایل شخصی و یا پی‌سوز استفاده می‌شده است. کف حجره‌ها ۲۵ تا ۳۰ سانتی متر بالاتر از کف ورودی دروازه اصلی کاروانسرا است. بالابودن کف درها از ورودی به احتمال جهت جلوگیری از ورود حشرات به داخل حجره‌ها بوده است.

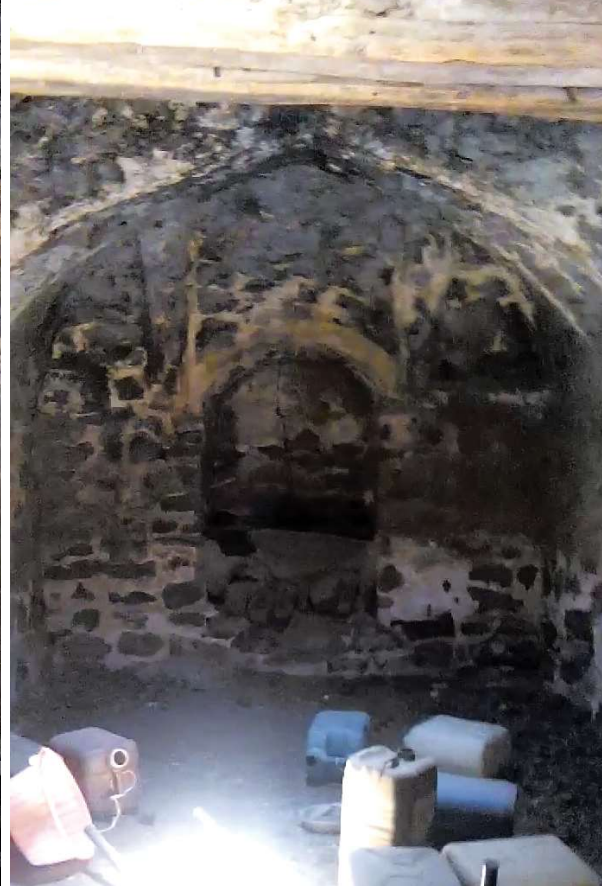
برای تأمین نور و روشنایی و همچنین خروج دود و تهویه هوای فضای حجره دریچه‌ای در



شکل ۵. ایزومتریک یکی از حجره‌های جنب هشتی کاروانسرا و پوشش آن

امروزه بسته شده‌اند. به علت سنگینی وزن طاق گهواره‌ای که با لاشه‌سنگ‌های کوچک و ملات گچ نیمکوب ایجاد شده است، امروزه این قوس‌ها به طرف پایین خمیده و قوس برداشته و بخشی از آن فروریخته است. این دالان فاقد هرگونه دریچه‌ای رو به حیاط است و در انتها که به دیواره غربی کاروانسرا منتهی می‌شود در گوشه آن ورودی دیگری مشابه با ورودی اولی با عرض یک متر با پوشش نیم‌دایره‌ای به حیاط راه دارد. در این بخش یک اتاقک یا دالانی کوچک در زمین ایجاد شده که امروزه به صورت لانه مرغ و محل نگهداری طیور استفاده می‌شود به احتمال در گذشته انبارک یا انبار آب کاروانسرا بوده است. در ضلع شمالی حیاط و چسبیده به دیواره یک آخور به طول حدود ۵ متر و ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر و عرض ۴۰ سانتی‌متر از لاشه‌سنگ و ملات گچ نیمکوب ایجاد شده است که محل علوفه دادن به چارپایان بوده است.

بخش شمالی: ورودی با عرض یک متر با طاق نیم‌دایره‌ای ایجاد شده که برای ایجاد قوس از سنگ‌های تراشیده استفاده شده است. بعد ورود به این بخش در دست راست داخل آن سکویی با لاشه‌سنگ و گچ نیمکوب ایجاد شده است و روی آن را اندودی از ملات گچ کشیده‌اند. این سکو حدود ۴۰ سانتی‌متر بالاتر از کف این بخش بناست و این سکو برای استراحت افراد کاروان یا مهتر و صاحبان مواشی و احشام است و بقیه فضای این دالان که کف آن پایین‌تر از این سکو است محل نگهداری از مواشی و احشام است و دارای پوشش ساده گهواره‌ای است که در فواصل آثار قالب‌های چوبی روی دیواره لاشه‌سنگی قابل مشاهده است. این بخش دارای ۱۹/۵ متر و عرض ۵/۵ متر با احتساب دیوارهاست. برای تأمین نور فضای دالان و همچنین گردش هوا در فواصل منظم در پوشش گهواره‌ای دریچه‌های کوچکی ایجاد شده که



شکل ۶. حجره جنوبی جنب هشتی کاروانسرای خانک،

شکل ۷. وضعیت نورگیر و روزنه تهویه و بخاری دیواری و تاقچه‌های کناری، با تویزه و پشتیبان‌های متصل به آن

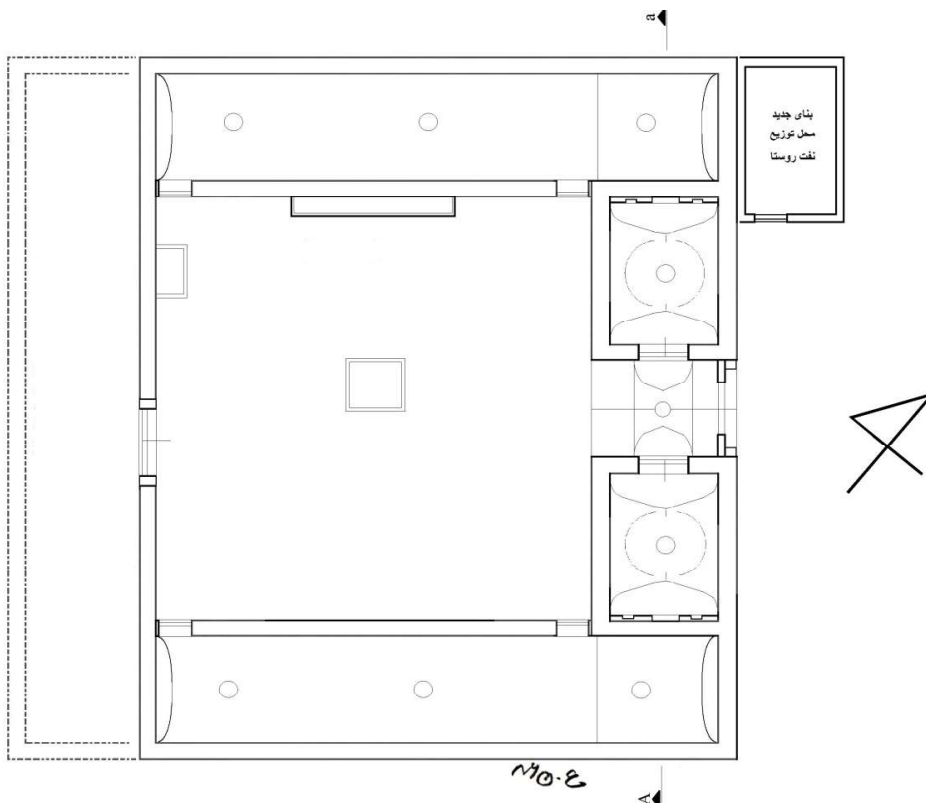
پشتی راه دارد. این دیوار مانند سایر بخش‌های کاروانسرا از لاشه‌سنگ‌های نامنظم و با ملات گچ ساخته شده است، اما امروزه در اطراف قاب آن آثار استفاده از آجر وجود دارد که مربوط به تعمیرات و مرمت‌هایی جدید است که بعدها در این کاروانسرا انجام گرفته است. در مورد این بخش به احتمال این ورودی بخش غربی بنا که شامل حجره‌هایی شبیه بخش شرقی و یا اصطبل‌های مانند بخش شمالی و جنوبی بوده است که بعدها از بین رفته است و این دیوار از آن مانده که برای مرمت آن از آجر در اطراف قاب در استفاده کرده‌اند و دارای در آهنی است. کف این در -همسطح کوچه پشتی آن است- حدود ۷۰ تا ۸۰ سانتی‌متر بالاتر از کف حیاط مرکزی کاروانسرا است (شکل ۸-۱۱).

ج: بخش جنوبی قرینه بخش شمالی است و در این بخش نیز ورودی‌ها با قوس نیم‌دایره‌ای در تقاطع دیوارها ایجاد شده‌اند و در اینجا نیز سکویی برای استراحت کاروانیان یا مهران ایجاد شده است و بقیه به‌عنوان محل نگهداری چارپایان و احشام مورد استفاده بوده است و در انتها به دیواره غربی منتهی می‌شود که ورودی دوم و راه دسترسی به صحن کاروانسرا در تقاطع دیوار داخلی این بخش با دیواره غربی ایجاد شده است. پوشش این دالان از طاق گهواره‌ای ساده و با مصالح لاشه‌سنگ و گچ نیم‌کوب است. پوشش گهواره‌ای این دالان سالم باقی مانده است.

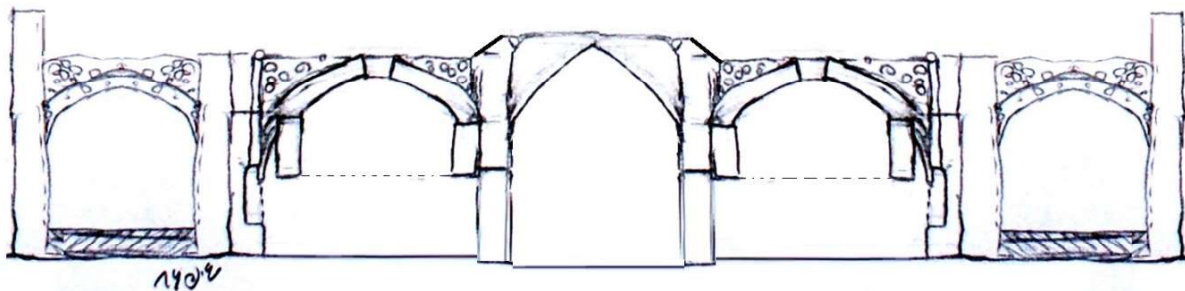
د: بخش غربی این کاروانسرا امروزه به‌صورت دیواره بلندی است که در میانه آن دری به کوچه

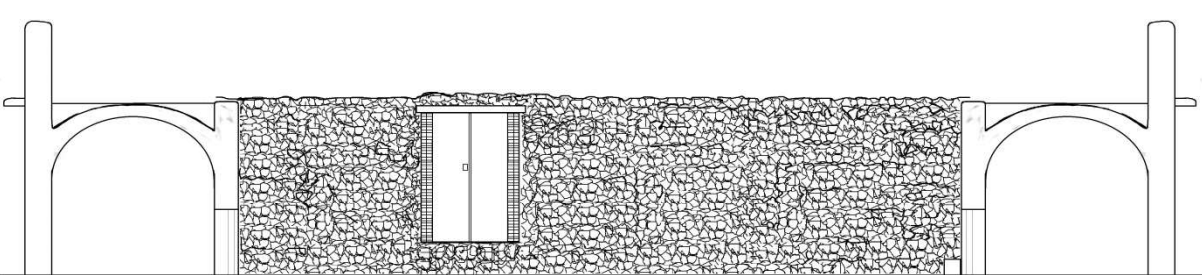


شکل ۸. نمای کلی حیاط مرکزی کاروانسرای خانک

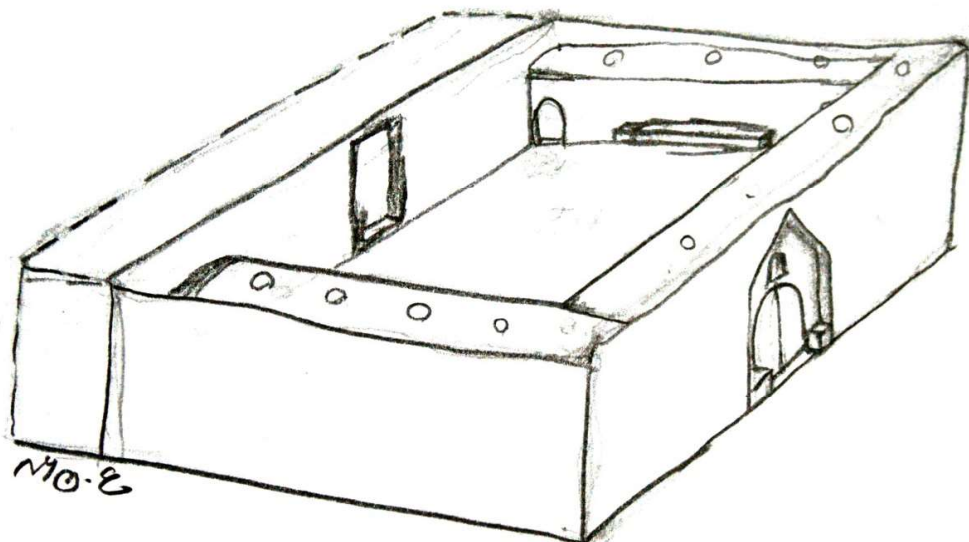


شکل ۹. پلان کاروانسرای خانک و برش بخش شرقی و غربی آن





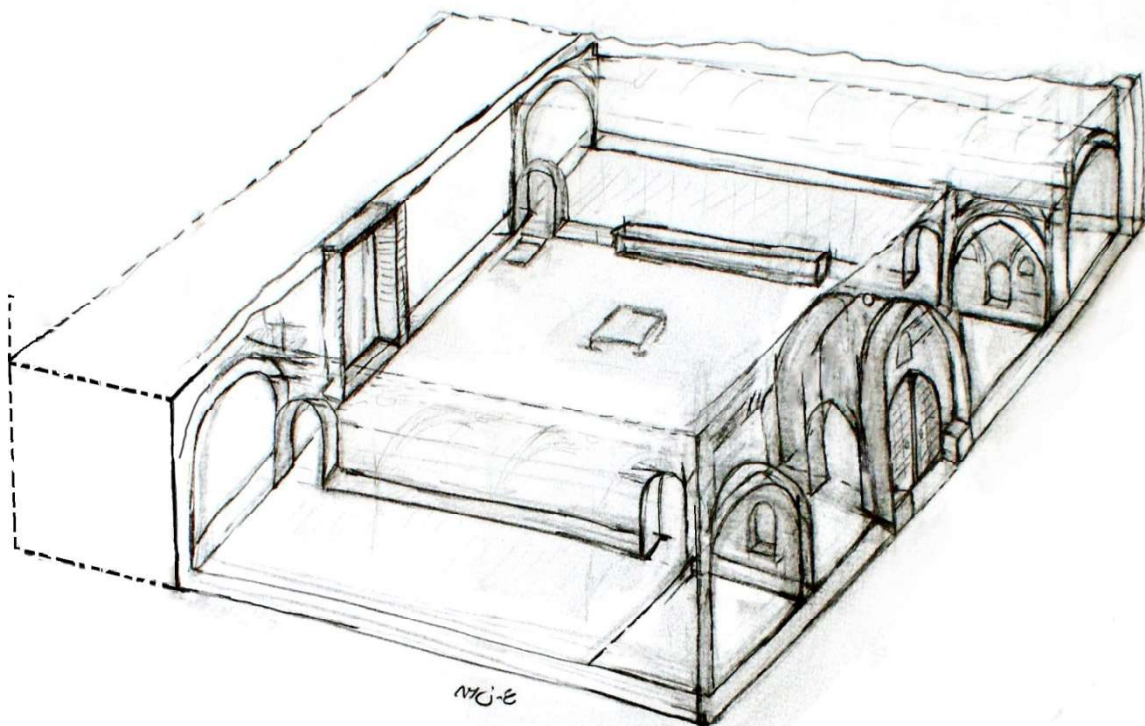
شکل ۹. پلان کاروانسرای خانک و برش بخش شرقی و غربی آن



۸۱۵-ع

شکل ۱۰. طرح دستی کلی کاروانسرای خانک با بازسازی بخش غربی آن

شکل ۱۱. نقشه ایزومتریک کاروانسرای خانک



۸۴۶-ع

برج حیدرقلی بیگ خانک

برج خانک بلندترین نقطه روستای خانک است و در ضلع شرقی میدان اصلی روستا بر بلندی ساخته شده است. روستای خانک دهستان خرازان از طریق جاده آسفالتی شهر تفرش به روستای خرازان به خانک قابل دسترسی است و دارای بافت معماری کاهگلی است که دیواره خانه‌ها از خشت و لاشه‌سنگ ساخته شده است.

این برج که با خشت ساخته شده است امروزه مسکونی است و دو خانوار در آن زندگی می‌کنند که روی بدنه آن با خشت تزیینات چشم‌نوازی ایجاد کرده‌اند. برای این کار از تزیینات آجری الگو گرفته‌اند. قطر این برج استوانه‌ای شکل حدود به ۷ متر است که در سمت شرق و شمال آن خانه‌های مسکونی الحاق شده است. این برج بر یک صخره طبیعی بنا شده است و حدود ۶ متر ارتفاع دارد که تا حدود ۱ متری پی آن از لاشه‌سنگ و ملات گل ساخته شده است و در ضلع شمالی آن در ارتفاع ۳ متری به بالا ۳ پنجره دارد و دارای دید

۳۶۰ درجه و کاملی بر روستا و راه‌های اطراف دارد. با توجه به گفته اهالی محل این برج توسط شخصی به نام حیدرقلی بیگ در دوره قاجار بنا شده است (شکل ۱۲-۱۳).

چهارتاقی و میل قبرستان کهنه خانک

در شمال شرقی روستای خانک و در مسیر روستای خانک به دیزج و در دست راست جاده خاکی بقایای چهارتاقی وجود دارد. این محل به قبرستان کهنه موسوم است این بنا دارای ابعاد حدود ۴×۴ متر است، از لاشه‌سنگ و گچ نیمکوب ساخته شده، تنها یکی از دهانه‌های و قوس آن و بخش از گوشوارهای آن باقی مانده است که محل قرارگیری پوشش چهارتاقی بر آن بوده است. در بالا دست و در حدود ۲۰۰ متری شرق این چارتاقی آثار میل سنگی مدوری دیده می‌شود که بر این راه و مسیر و دره مشرف است به گمان در گذشته این برج یا میل سنگی کارکردی شیبه نگهبانی و حفاظت در مواقع خاص داشته یا به‌عنوان راهنما در این مسیر بوده است (شکل ۱۴-۱۵).



شکل ۱۲. برج خانک دید از روبه‌روی کاروانسرا و میدان اصلی روستا



شکل ۱۳. برج حیدرقلی بیگ و جزئیات تزئین خشتی آن

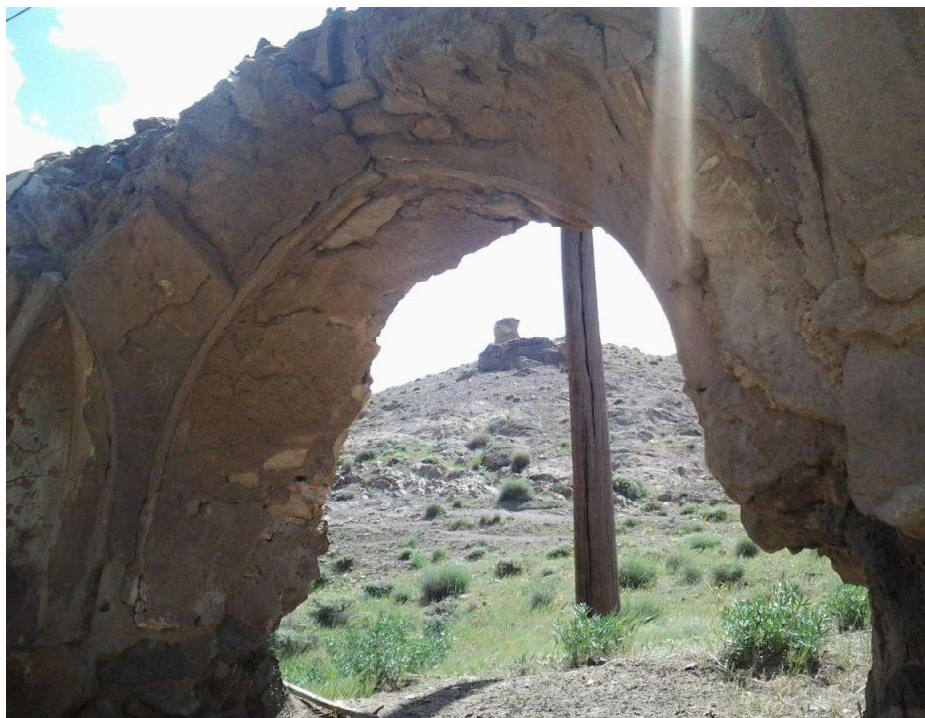


جزئیات بنای کاروانسرای خانک

سکوها: در دالان شمالی و جنوبی کاروانسرا دو سکو با لاشه سنگ به ارتفاع ۴۰ سانتی متر از کف اصطبل ایجاد شده که روی آن را با پوششی از ملات گچ نیمکوب به صورت مسطح و صاف پوشانده‌اند. این سکوها در گوشه دالان کاروانسرا به مهتران و صاحبان مواشی این امکان را می‌داد که در نزدیکی مال و آنچه بایستی مراقبت کنند، بخوابند. در دیوار پستی این سکوها تورفتگی در دیوار ایجاد شده که آثار سوختگی و دودزدگی نشان می‌دهد که جای قرارگیری پی‌سوز برای روشنایی در شب‌ها و به احتمال هنگام استفاده در روز بوده است (شکل ۱۶-۱۷).

در چوبی دروازه: در از دو لته چوب ضخیم از جنس چوب گردو به ضخامت حدود

۱۰ سانتی متر ساخته شده است که از پشت چوب‌های دیگری به صورت متقاطع و چلیپایی جهت استحکام در به آن کوبیده شده است. میخ‌ها از آهن هستند و دارای سر قبه‌ای شکل و برجسته هستند و همچنین برای نگهداشتن الوارهایی که در از آن ساخته شده در کنار هم از بست‌های آهنی پهنی استفاده کرده‌اند. دو لته در به وسیله قوزک‌ها یا پاشنه‌های به چهارچوب وصل‌اند و لولا ندارند، به طوری که در پاشنه می‌گردند. به این طریق باز و بسته می‌شوند. پاشنه در، داخل سنگ بزرگی می‌گردد. علت آن سنگینی در است. اما در این کاروانسرا از یک چوب یکپارچه در دو طرف لته‌ها به عنوان قوزک که قسمت اضافی آن در بالا و پایین داخل دیوار بالایی چهارچوب و پاشنه سنگی پایین می‌چرخد استفاده شده که به وسیله بست‌های



شکل ۱۴. بقایای چهارتافی در قبرستان کهنه خانک و میل سنگی شرق آن در مسیر روستای دیزج (و. اسماعیلی نسب).



شکل ۱۵. بقایای چهارتاقی خانک در قبرستان کهنه خان در مسیر روستای دیزج (و. اسماعیلی نسب).

سرمای منطقه و جلوگیری از هدررفت گرما بوده، دیگری اینکه فقط این اصطبل‌ها برای مواشی مورد استفاده بوده است (شکل ۸-۹، ۱۱ و ۲۰).

بخاری‌های دیواری: در دیوار انتهایی دو حجره یا اطاق دو طرف ورودی اصلی، بخاری‌های تعبیه شده که عمق زیادی ندارند و ارتفاعشان بیشتر از عرض آنهاست. از آنجاکه این ناحیه از نواحی کوهستانی است و زمستان‌های سرد و پر برف دارد، این بخاری‌ها جهت گرم کردن این حجره‌ها ساخته شده‌اند، دارای دودکش‌های بسیار باریکی بوده‌اند که کارایی چندانی در انتقال دود و دم آتش به خارج نداشته به همین دلیل نورگیرها و سوراخ‌های تعبیه شده در پوشش گنبدی بیشتر دود اضافی را به بیرون منتقل

آهنی به الوارهای در محکم بست داده شده و از پشت دارای کلون چوبی محکم ساده‌ای است که در مواقع لزوم به‌عنوان حفاظ برای بستن در پشت آن انداخته می‌شد. هرچند امروزه از بیرون برای قفل کردن آن یک قفل‌انداز آهنی کوچک در آن کار گذاشته شده است (شکل ۱۸-۱۹).

ورودی‌های چهارگانه به اصطبل‌های کناری: دو اطلل شمالی و جنوبی باقی‌مانده در این بنا دارای چهار در کوتاه با پوشش نیم‌دایره‌اند، که به‌صورت قرینه روبه‌روی هم در چهار گوشه حیاط و محل تقاطع اضلاع تعبیه شده‌اند. این ورود امروزه حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ سانتی‌متر ارتفاع دارند که برای ورود باید تا حدودی خم شد. از دلایل کوتاه گرفتن این ورودی ناشی از



شکل ۱۶. سکوی جای استراحت مهتران و مال داران در اصطبل جنوبی
شکل ۱۷. دیوار پشت سکو و جای فرارگیری پی سوز در آن

شد. در این قسمت جاهایی در دیوار تعبیه کرده‌اند که افسار حیوانات بارکش را به آن ببندند. در داخل اصطبل‌های کناری و در کناره دیوارها نیز آثار آخورهای به ارتفاع ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متر و عرض ۴۰ سانتی‌متر باقی‌مانده که لاشه‌سنگ و ملات گچ نیمکوب و دیرک‌های چوبی به‌صورت افقی ایجاد شده که برای علوفه دادن به مواشی بوده است. به‌احتمال از این اصطبل‌ها بیشتر برای نگهداری مواشی (گوسفند و بز) استفاده شده زیرا ارتفاع کوتاه درهای کناری به‌سختی امکان تردد چارپایان بزرگ چون اسب و قاطر و غیره را می‌داده، محل نگهداری این حیوانات به‌احتمال در حیاط بوده است (شکل ۲۲).

آبریزگاه: در بررسی این بنا هیچ‌گونه فضای اختصاصی جهت آبریزگاه شناخته نشد محتمل

می‌کرده‌اند. به همین دلیل ماکسیم سیرو این نوع بخاری‌ها تعبیه‌شده در دیواره حجره‌ها را تزئینی دانسته است. به‌نظر می‌رسد استفاده از آنها در دوره صفویه به اوج خود رسید (سیرو، ۱۹۴۹: ۱۷۸). در این کاروانسرا مانند همه کاروانسراهای دیگر، در اصطبل بخاری ساخته نشده است. به‌نظر می‌رسد که گرمای بدن حیوانات برای گرم کردن این بخش‌ها کافی بوده است. اگر هم آتشی توسط مالداران در روی سکوها برافروخته و روشن می‌شد، دود آن از سوراخ و نورگیرهایی که در سقف تعبیه شده بود به بیرون می‌رفت (شکل ۵-۷، ۲۱).

آخورها: چسبیده به دیواره شمالی حیاط مرکزی یک آخور جهت حیوانات و چارپایان لاشه‌سنگ و گچ نیمکوب ساخته شده که بیشتر به آن اشاره



شکل ۱۸. در چوبی و نمایی از دروازه اصلی کاروانسرای خانک
شکل ۱۹. هشتی و در چوبی و چگونگی دسترسی به حجره های جنبی

استادکار بنا در پی این بنا از تخته سنگ‌های بزرگ استفاده کرده هرچه دیوار بالاتر رفته سنگ‌ها کوچک‌تر شده‌اند، به این ترتیب توانسته از سنگینی و فشار بخش‌های فوقانی دیوارها بکاهد. همچنین در طاق‌های گهواره‌ای و پوشش فضاها هم از لاشه سنگ‌های کوچک بهره برده است. معدن و معدن گچ استفاده شده در این کاروانسرا از معدن گچی به نام گچلان (Gachlan)، که در حد فاصل میان روستای خانک و روستای کندج (حدود ۱/۵ کیلومتری شمال غرب روستای خانک) واقع است، تهیه می‌شده است که در گذشته به وسیله چهارپایان به محل کاروانسرا برای استفاده انتقال داده‌اند.

منبع آب

آب مورد نیاز این کاروانسرا از قنات سارک (دارای ۱۵ میله چاه) تأمین می‌شده است.

است که برای این امر از فضایی در گوشه حیاط یا اصطبل‌ها استفاده می‌کرده‌اند.

مصالح

این کاروانسرا از لاشه سنگ‌های سیاه‌رنگ -که در محل به وفور یافت می‌شود- و از گچ نیمکوب نیز به عنوان ملات استفاده شده است. دیوارهای آن را با لاشه سنگ نامنظم به ضخامت حدود ۶۰ سانتی‌متر ساخته‌اند سپس از لاشه سنگ‌های کوچک‌تر و ملات گچ نیمکوب برای پرکردن میانه دیوار استفاده کرده‌اند، این شیوه سبب استحکام دیوارها شده است و ملات گچ نیمکوب لابلای تمام سنگ‌های به کار رفته در دیوار را پوشش داده و بند و فاصله بین سنگ‌ها را پر کرده و معمار بنا در بیرون این ملات بیرون آمده صاف کرده است و نمای یکدستی به دیوارها داده است.



شکل ۲۰. وضعیت دو ورودی به اصطبل‌های شمالی و جنوبی از حیاط

هنوز حفظ شده است. از دلایل این امر تأمین امنیت استفاده‌کنندگان و همچنین مال‌التجاره خریداری شده کاروانیان و مواشی و چهارپایانی بوده که توسط تجار یا افراد غیربومی هنگام منزل کردن در این بنا، برای انتقال به شهرهای مقصد چون تفرش، ساوه و آوه بوده است (شکل ۹، ۳، ۲۴).

سبک کاروانسرای خانک

براساس تقسیم‌بندی که کیانی و کلایس برای کاروانسراهای ایرانی ارائه داده‌اند، تقریباً این کاروانسرا در دسته ششم یعنی کاروانسراهای با پلان متفرقه قرار می‌گیرد (بنگرید به کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۱۳-۱۵).

این کاروانسرا دارای طرح و نقشه ابتدایی است چنانچه در نظرگاه می‌توان به آن پی برد زیرا اصطبل‌ها در اطراف حیاط مرکزی ساخته

علاوه‌بر این در گذشته دارای آسیایی به همین نام بوده است که امروزه بخش‌های اندکی از آن باقی مانده است (شکل ۲۳). دیگر قنات‌های این روستا عبارت‌اند از خازک یا خرک (۷ میله چاه)، خانک کهنه (۲۰ میله چاه)، دولیان (۲۵ میله چاه)، مکان وبی یا قنات ولی کهریز (۷ میله چاه)، وَن آباد (۲۵ میله چاه).

دیوارهای بلند حفاظتی

در این بنا شیوه خاصی برای تأمین امنیت منزل کردگان در پیش گرفته بودند که معمولاً با نمونه بناهای مشابه که از دو یا چهار برج در گوشه‌ها استفاده شده متفاوت است^۱. بدین‌صورت دیوارهای بیرونی این کاروانسرا بین یک تا یک‌ونیم متر بلندتر از پوشش سقف دالان‌ها و حجره‌ها بالا برده‌اند، امروزه دیوارهای بخش شمالی و جنوبی و کمی از بخش غربی

^۱ برای تأمین امنیت گاهی در دوسوی در کاروانسرا و رباط‌ها برج‌هایی ساخته‌اند تا علاوه‌بر پوشش بنا، در مواقع ناامنی مورد استفاده مدافعان و راهداران قرار گیرد (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۲۳۲).



شکل ۲۱. نمایی از بخاری دیواری و تاقچه‌های کناری آن
شکل ۲۲. آخور ساخته شده در ضلع شمالی حیاط

پیش از قرون میانه اسلامی است (شکل ۳ و ۸-۱۱).

برآیند

کاروانسرای روستای خانک در اصل خان به معنی منزلی جهت پذیرایی از مسافران، تجار یا مالخرانی بوده که از تفرش به ساوه می‌رفتند یا کسانی که برای خرید محصولات دامی و باغی و غیره به این منطقه کوهستانی آمدوشد داشتند، بوده است. دارای پلانی ساده و ابتدایی است که عبارت‌اند از دو حجره در دو طرف ورودی، در طرفین حیاط میانی آن دو دالان یا اصطبل ساده برای نگهداری از مواشی و چهارپایان است این اصطبل‌ها بسیار ساده‌اند و درهای ورودی به

شده‌اند و چنین به نظر می‌رسد که در آن کمتر به اسکان مسافران توجه شده است، چنانچه در مقدمه گفتیم گویی این نقشه و پلان ادامه سبک دالان‌های عریض در اطراف حیاط در کاروانسراهای ایرانی بوده که تا قرن‌های میانی اسلام رواج داشته است^۱، و بعد از این زمان‌ها است که با گسترش نقشه چهار ایوانی این دالان و اصطبل‌های محل نگهداری چهارپایان و احشام به پشت حجره‌های اطراف حیاط مرکزی منتقل می‌شوند و از گوشه‌های حیاط قابل دسترس‌اند. نگارنده معتقد است، بنای اولیه این کاروانسرا متعلق به دوره پیش از صفویه است یا اینکه ادامه دهند سبک کاروانسراسازی

^۱ از نظر پلان و نقشه شباهت‌هایی بین این کاروانسرا با پلان و نقشه کاروانسرای دروازه گچ در مسیر جاده شیراز- فیروزآباد دیده می‌شود (بنگرید به کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۲۳۶).



شکل ۲۳. آسیاب متروک خانک (و. اسماعیلی نسب).

و تینوش (تینوج) دیده نمی‌شود، این موضوع این کاروانسرا یا خان را برجسته‌تر می‌کند، به‌خصوص اینکه شاید تطور و تکامل این بناها را در طی زمان نشان می‌دهد. به‌احتمال پلان و نقشه این بنا ادامه سنت کاروانسراسازی ایران ساسانی بود که تا حدود اوایل قرن پنجم و ششم ه‍.ق با تغییرات اندکی دوام آورده و بعد از این دوران است که دچار دگرگونی و تحول می‌شوند. این نقشه نیز مطرود می‌شود دلیل اینکه این نقشه و پلان در این نقطه ایجاد شده را شاید در سنت‌های معماری محلی جست‌وجو کرد که در واقع تداوم سنت‌های کهن گذشته بوده و کمتر دستخوش تغییر قرار گرفته است.^۱ هرچند

این فضاها در گوشه‌های محل تلاقی دیوارهای درونی به به همدیگر ایجاد شده‌اند. به‌علت هوای سرد منطقه جز در بالای سقف هیچ‌گونه روزنه یا پنجره‌ای به حیاط مرکزی چه در حجره‌های دو طرف دروازه ورودی و یا اصطبل‌ها ایجاد نشده است. این نوع پلان و نقشه بسیار ساده و ابتدایی است و در سایر کاروانسراها استان مرکزی و نواحی مجاور چون کاروانسرای عبدالغفارخان، ورده، حجیب و خشکه رود در ساوه و دیگر کاروانسراهای استان مرکزی از جمله دودهک، گردین، مشک‌آباد و جون‌آباد محلات و کاروانسراهای قم، کاروانسرای قلعه سنگی، کاروانسرای قصر، علی‌آباد پاسنگان

^۱ کاروانسراها دارای یک ردیف حجره با رواق در اطراف صحن و حیاط میانی شده و به آن باز می‌شوند و اصطبل‌ها به

برخی از اهالی محل این بنا را کاروانسرای شاه عباسی^۱ می‌دانند، ولی شاخصه‌ها و ویژگی‌های کاروانسراهای صفوی در این بنا دیده نمی‌شود. به‌خصوص اگر بخواهیم آن را با کاروانسراهای که پیشتر نام بردیم چه از نظر مصالح و چه از نظر نقشه مقایسه کنیم، هرچند این بنا را می‌توان در زمره کاروانسراهای کوهستانی دسته‌بندی کرد. اما با مقایسه آن با کاروانسرای سنگی نیر اردبیل - در مسیر راه قدیمی نیر به سراب - هیچ‌کدام از ویژگی‌های نقشه‌ای که در کاروانسرای نیر اردبیل پیاده شده، در بنای خانک دیده نمی‌شود. تا آنجا که برای نگهبانی و حفاظت از افراد و اموال آنها در بنای کاروانسرای خانک تنها به ارتفاع دادن به دیوارهای بیرونی اکتفا شده در حالی که در کاروانسرای سنگی نیر اردبیل از برج‌های سنگی مدور چهارگانه در چهارگوشه استفاده کرده‌اند. همچنین به‌علت سرمای هوا فاقد حیاط مرکزی است و از طاق‌های ضربی در پوشش فضاها استفاده شده، شاید این دلیلی باشد بر این موضوع باشد که بنای اولیه و نقشه کاروانسرای خانک متعلق به پیش از صفویه^۲، حتی پیشتر از آن یعنی دوره

سلجوقیان^۳ بوده که در دوره‌های بعد به‌صورت دوره ای مرمت و بازسازی شده است. چنانچه بخش‌های غربی از بین رفته به‌احتمال در دوره قاجار این بخش کلاً از بنا زوده شده و امروزه به کوچه تبدیل شده، این موضوع در پی بارش‌های سنگین سالیان اخیر نیز رخ داده و دیوار بیرونی بخش جنوبی آن فروریخته است.

نکته‌ای که در پایان باید به آن اشاره کنم مکان‌یابی این کاروانسرا است. منطقه خانک و اطراف آن از نواحی سیل‌خیز تفرش به حساب می‌آید. تقریباً بیشتر سال‌ها این منطقه و روستاهای آن در معرض جاری شدن سیل هستند. اما سازندگان با دانستن این موضوع و آگاهی از اقلیم خاص این ناحیه کاروانسرا را در جایی بنا نهاده‌اند که در هیچ زمانی حتی در طول سال‌های پربارش که سیل خسارت‌های زیادی به بار می‌آورد، خطری این بنا را تهدید نمی‌کند. این موضوع در مورد بادهای محلی نیز صادق است که درست ورودی اصلی بنا را در جهت خلاف وزش بادهای سرد زمستانی که از شمال به جنوب می‌وزند، تعبیه کرده و برای در امان ماندن منزل کردگان از سرمای

پشت این ردیف حجره‌ها منتقل می‌شوند - در واقع رفاه افراد بیشتر مورد توجه و محور ساخت آنها در کنار سایر کاربردها قرار می‌گیرد - ولی همچنان دسترسی به فضای اصطبل از طریق درهایی که در چهار گوشه صحن میانی ایجاد شده، میسر بوده است.

۱ به‌احتمال به‌دلیل رونق و ساخت راه‌ها و گسترش مرمت و ساخت کاروانسراها در زمان این شاه بوده است و استاد فقید پیرنیا در این باره می‌نویسد: کاروانسراهای کنونی ایران اغلب شاه‌عباسی خوانده می‌شوند و تقریباً برای کاروانسرا علم شده و در قرن چهارم هم کثرت رباط‌هایی که ابوالحسن ماه برپاشده نام مهبی برای بیشتر رباط‌ها علم بوده است (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۲۳۰).

۲ ماکسیم سیرو که بنای کاروانسرای نیر را بررسی کرده است، اشاره کرده که به‌احتمال این بنا متعلق به پیش از صفویان باشد (سیرو، ۱۹۴۹: ۷۵).

۳ آثار و بناهای متعددی از جمله قلعه‌های کوهستانی در کوه‌های منطقه تفرش و جنوب ساوه مانند قلعه طوس نوذر و قیز قلعه ساوه و همچنین بنای مسجد شش‌ناو و بناهای دیگر که متعلق به دوره سلجوقی‌اند در شهر تفرش وجود دارند، این امر حاکی از اهمیت شهرستان تفرش از نظر تجاری، نظامی و مذهبی در دوره مورد نظر است (نوراللهی و علی‌لو، ۱۳۹۵ و نوراللهی، ۱۳۹۸).



شکل ۲۴. فروریختگی در پوشش دالان جنوبی و دیوار امنیتی کاروانسرا

خانک که میراث‌داران و صاحبان واقعی این آثارند و به‌ویژه از آقای مهندس وحید اسماعیلی نسب که نهایت همکاری را با نگارنده داشتند، سپاسگزاری کنم.

طاق‌ت فرسای این منطقه درها را کوتاه و هیچ پنجره یا روزنه‌ای در دیوارها (به‌جز نورگیرها و سوراخ‌های تهویه در سقف‌ها) تعبیه نکرده‌اند.

سپاسگزاری

در اینجا لازم می‌دانم که از اهالی روستای

۷۲

کتاب‌نامه

پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۹۲، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، مؤسسه فرهنگی سروش دانش.
 رزم‌آرا، علی، ۱۳۲۸، فرهنگ جغرافیایی ایران، استان یکم، جلد ۲، تهران، از انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
 کیانی، محمد یوسف، ۱۳۷۴، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
 کیانی، محمدیوسف، و لفرام کلایس، ۱۳۷۳، کاروانسراهای ایران، تهران، انتشارات سازمان

الف) فارسی

استاندارداری استان مرکزی، ۱۳۷۴، نام‌نامه استان مرکزی: شهرستان تفرش، وزارت کشور، استانداری مرکزی حوزه معاونت سیاسی و امنیتی دفتر امور اجتماعی و انتخابات، جلد اول.
 اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۷، مراث‌البلدان، با تصحیحات و حواشی و فهارس به‌کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ نشر دانشگاه تهران.

میراث فرهنگی کشور.

کیانی، محمدیوسف، کلایس ولفرام، ۱۳۶۲، فهرست کاروانسراهای ایران، جلد اول، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

دهگان، ابراهیم، بی‌تا، تاریخ اراک، جلد ۱، اراک، انتشارات فرهنگ.

سیفی‌فمی‌تفرشی، مرتضی، ۱۳۶۱، سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، تهران، انتشارات امیرکبیر.

سیرو، ماکسیم، ۱۹۴۹، کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ترجمه عیسی بهنام، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

سیمز، الینور، ۱۳۸۰، تجارت و سیاحت: بازارها و کاروانسراها، در معماری جهان اسلام تاریخ و مفهوم اجتماعی آن، ارنست گروه و دیگران، ویراستار جرج میشل، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی.

قمی، حسن بن محمد، ۱۳۶۱، تاریخ قم، مترجم حسن بن علی قمی، مصحح جلال‌الدین تهرانی، تهران، انتشارات توس.

حاج سیاح، ۱۳۴۶، سفرنامه حاج سیاح، به‌کوشش حمید سیاح، به‌تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران.

حسنی، حمیدرضا، ۱۳۸۲، مردم‌نگاری شهرستان تفرش، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

طبری، محمدبن جریر، ۱۳۶۲، تاریخ طبری، جلد ۲،

ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر. مارکوارت، یوزف، ۱۳۷۳، جغرافیای ایرانشهر بر مبنی جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، انتشارات اطلاعات، تهران.

مستوفی قزوینی، ابی بکر حمدالله، ۱۳۶۲، نزهةالقلوب، به‌کوشش گای لسترنج، مجلد ۱، تهران، دنیای کتاب.

مصلح‌الدین سعدی، ۱۳۸۵، کلیات سعدی: فصاید فارسی، قصیده ۵، به‌تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات هرمس.

مهجوری، اسماعیل، ۱۳۸۱، تاریخ مازندران، تهران، انتشارات توس.

نوراللهی، علی، ۱۳۸۶، بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش مرکزی شهرستان تفرش استان مرکزی، جلد اول و دوم، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان مرکزی، منتشر نشده.

نوراللهی، علی، سارا علی‌لو، ۱۳۹۵/۲۰۱۶، پژوهشی در بناهای آرامگاهی شهرستان تفرش، فصلنامه دیار، شماره ۲: ۳۰-۷۰.

نوراللهی، علی، ۱۳۹۸، بررسی باستان‌شناسی مساجد و تکایای شهر تفرش، فصلنامه رازان، شماره ۷: ۹۳-۱۱۲.

هیلن‌براند، رابرت، ۱۳۷۷، معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنی، ترجمه ایرج اعتصام، ویراستار حمید خادمی، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (شهرداری تهران)

“Contents”

Article

Various Patterns on Urartian Belts of Reza Abbasi Museum Maryam Dara	4
Wolf Castle Ossuary, A Newly Discovered Burial of the Sassanid period in the city of Eghlid Hamed Molaei	25
The Pre-Buyid Amirate: Two Views from the past David Waines, Persian translated by Hosein Sabri	36
Archaeological Survey of Khanak Caravanserai on the Mountainous Route from Tafresh to Saveh Ali Nour Allahi	47
La céramique de Khirbet Kerak en Syro-Palestine: état de la question P. D Miroschedji, Persian translated by Sahar Bakhtiari & Hosein Naseri	74

Critique and Book Review

Proto-Elamite Tablets and Fragments Hasan Afshahri & Saeid Baghizadeh	99
---	----

Obituary

David Stronach, Masoud Golzari, Badri Gharib Arshak Iravanian	109
---	-----



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 3, No.5, Autumn & Winter 2020 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:

| Dr Shahin Aryamanesh |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

📍 Tehran, Iran, Post box: 14515-569

🌐 www.iranvarjavand.ir

✉ Iranvarjavand@hotmail.com

☎ +98 9395969466

Bricks with a palmette motif, ca. 6th–4th
century B.C. Achaemenid, Iran, Susa
The Metropolitan Museum of Art, USA

All rights reserved. No part of this publica-
tion may be reproduced, stored in a retrieval
system or transmitted in any form or by any
means, electronic, mechanical, photocopying,
recording or otherwise, without prior permis-
sion in writing, form the publisher.

With Contributions by

| Tissaphernes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 3 | No. 5 | Autumn & Winter 2020



- ◆ Proto-Elamite Tablets and Fragments
- ◆ The Pre-Buyid Amirate: Two Views from the past
- ◆ Various Patterns on Urtartian Belts of Reza Abbasi Museum
- ◆ La céramique de Khirbet Kerak en Syro-Palestine: état de la question
- ◆ Wolf Castle Ossuary, A Newly Discovered Burial of the Sassanid period in the city of Eghlid
- ◆ Archaeological Survey of Khanak Caravanserai on the Mountainous Route from Tafresh to Saveh